

خط پنهان جنگ در تبریک‌های نوروزی غرب

By Valizadeh

Created 2012-03-25 04:00

Sun, 2012-03-25 03:00



1

پیام تبریک باراک اوباما به مناسبت نوروز 1391

## The White House

پیام های تبریک نوروزی برخی از رهبران سیاسی غرب به مردم ایران اگرچه بر وجوه مشترکی از جمله پاسداشت فرهنگ مردم ایران زمین تأکید داشت اما به اعتقاد کارشناسان این برنامه نیز نوعی زمینه سازی برای اعلام تقابل یا جنگ به حکومت ایران بود. این سه کارشناس معتقدند لحن ایران در پاسخ به این پیام ها از حالت ستیزه جویانه به حالت دفاعی تغییر یافته است.

## نوشته: رضا ولی‌زاده

نوروز امسال با پیام تبریک برخی از مقام‌های سیاسی جهان همراه بود. تعداد این پیام‌ها نسبت به سال‌های گذشته کم‌سابقه است. امسال دیگر این فقط باراک اوباما یا هیلاری کلینتون نبودند که سال نو را به ایرانیان تبریک می‌گفتند، بلکه رییس جمهوری اسرائیل، نخست‌وزیر بریتانیا، وزیر امور خارجه‌ی بریتانیا و همچنین دبیر کل سازمان ملل هم جزو کسانی بودند که به ارسال پیام تبریک ویدیویی پرداختند.

باراک اوباما، در پیام خود خطاب به ایرانیان گفت: دلیلی برای جدایی ایران و آمریکا وجود ندارد.

او دولت ایران را موظف دانست که به مسئولیت‌هایش در قبال برنامه هسته‌ای عمل کند، و تنها در این صورت است که به آغوش جامعه جهانی باز خواهد گشت.

اوباما همچنین گفت حکومت ایران، مردم را به وسیله‌ی یک پرده الکترونیکی محصور کرده و آمریکا تلاش می‌کند در سال جدید امکانات و خدمات نرم افزاری و اینترنتی ویژه‌ای برای تقویت توان ارتباطی مردم اختصاص دهد.

هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا نیز ایالات متحده را در قبال ایران متعهد به پشتیبانی از حقوق بشر و آزادی بیان دانست.

شیمون پرز، رییس جمهوری اسرائیل هم در اقدامی کم‌سابقه و برای نخستین بار در پیام نوروزی خود از پیوندهای دیرینه دو ملت ایران و یهود یاد کرد و گفت: «من از خویش می‌پرسم چگونه مردم باستانی ایران با چنین تمدنی به سوی چنین تنفر کورکورانه‌ای کشیده می‌شود و چرا حاکمانی حکومت کشور متمدن و با شکوه ایران را در دست دارند که ندای نابودی کشور دیگری را سر می‌دهند؟»

اما دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیا و ویلیام هیگ وزیر امور خارجه این کشور نیز در پیام‌های نوروزی خود ضمن تأکید بر اشتراک‌های فرهنگی میان مردم ایران و بریتانیا و تلاش برای گسترش آن، ابراز امیدواری کردند که رهبران ایران حقوق اساسی مردم را به رسمیت بشناسند.

اما در ایران، سیدعلی خامنه‌ای در پیام رسمی خود سال 1391 را سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی» اعلام کرد و عصر نخستین روز بهار در مشهد و در جمع زائران امام رضا، گفت: «در مقابل تهاجم احتمالی آمریکا و یا اسرائیل، در همان سطحی که به ما حمله شود به آنها حمله خواهیم کرد.»

در این بخش از برنامه «زمینه‌ها و زمانه‌ها» پیام‌های نوروزی رهبران سیاسی کشورهای مختلف را با آقایان، تورج اتابکی، استاد «تاریخ اجتماعی خاورمیانه و آسیای مرکزی» در آمستردام، هوشنگ امیراحمدی استاد دانشگاه راتگرز در ایالت نیوجرسی و مجید محمدی، جامعه‌شناس و تحلیلگر مسائل سیاسی در نیویورک بررسی می‌کنیم.

وجوه مشترک پیام های نوروزی مقام های سیاسی کشورهای آمریکا، انگلیس و اسرائیل به مردم ایران چیست به نظر شما و فکر می کنید چه عاملی باعث شده که اسرائیل و انگلیس هم امسال به صف ارسال کنندگان پیام نوروزی برای ایرانیان اضافه شوند؟

**تورج اتابکی:** ما آرام آرام داریم به یک اجماعی میان کشورهای اروپایی و آمریکا و اسرائیل در مورد واکنش به سیاست های جمهوری اسلامی ایران می رسیم و بازتاب آن را هم در چنین پیام هایی می توانیم ببینیم. ویژگی شاخص این پیام ها این بود که مخاطب آن ها مردم بودند نه حکومت و این در عرف بین الملل دارای معنی است. دو سال پیش آقای اوباما در پیام نوروزی خود دولت مردان ایران را مخاطب قرار داد و از آن ها خواست در سیاست های خود تغییر ایجاد کنند؛ اما امسال او و دیگر رهبران سیاسی در پیام های خود مردم را خطاب قرار دادند و به صورت بسیار روشن فاصله ای را که میان مردم ایران و حکومت جمهوری اسلامی می بینند در سیاست های خود مطرح می کنند. این مخرج مشترک اصلی پیام های نوروزی بود.

**هوشنگ امیراحمدی:** من هم موافقم که مخاطب این پیام ها مردم بودند. اما من به شخصه دوست ندارم نوروز سیاسی شود. نوروز یک اتفاق فرهنگی و تاریخی است و باید برای مردم ایران در همین چارچوب پاک و خالص بماند و این رفتار هر روز دارد نوروز را از یک پدیده فرهنگی به یک پدیده سیاسی تبدیل می کند. نکته دیگر این که من با این حرکت غرب که به جای حرف زدن با کشور، مردم را مخاطب قرار می دهند مخالفم. این به خارج ربطی ندارد که در داخل ایران چه می گذرد. مردم ایران خودشان می توانند تصمیم بگیرند و اگر این حکومت را دوست نداشته باشند همان طور که حکومت شاه را سرنگون کردند این حکومت را هم سرنگون می کنند. متأسفانه این دخالت های خارجی در ایران در تاریخ همیشه منفی بوده و باز هم منفی خواهد بود. غرب می خواهد جمهوری اسلامی را سرنگون کند و در این مسیر می خواهد از مردم استفاده ابزاری کند. نمی توان این پیام ها را صمیمی و صادقانه دانست؛ بلکه در اهداف پشت این پیام ها قصد این است که از مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی استفاده ابزاری کنند. من هیچ مسأله ای ندارم که مردم ایران ابزار سرنگونی شوند، اما باید به انتخاب و اراده خودشان باشد و این هیچ ربطی به آقای اوباما و دیگران ندارد.

**مجید محمدی:** این پیام ها کارکرد دوگانه دارد. هم در سیاست خارجی این کشورها موثر است هم در سیاست داخلی. اگر ما به فهرستی کسانی که نخست وزیر استرالیا تا کانادا، رهبر حزب سوسیالیست فرانسه... عمدتاً از سوی کشورهای صادر شده که جمعیت قابل توجهی از ایرانیان در این کشورها زندگی می کنند. یعنی بخشی از خطاب این پیام ها به همان جمعیت ایرانی است که در این کشورها زندگی می کنند. فقط هم این پیام ها سیاسی نبوده. بخش عمده ای از آن ها به این جشن به عنوان یک آیین باستانی اشاره دارند و فرهنگ ایرانی و ارزش های عام بشری را تکریم می کنند. از آن جا که نوروز یک جشن عرفی است و نه مذهبی، دیگران هم می توانند به راحتی در آن مشارکت کنند و اینجاست که جمهوری اسلامی حتی نوروز را هم به غرب می بازد. اگر به پیام های آقای خامنه ای و احمدی نژاد دقت کنید می بینید تقریباً جای اشاره به نوروز به عنوان یک جشن باستانی در حرف های آن ها خالی است. همان طور که دیگران در عرصه های دیگر

دارند صاحب فرهنگ ما می شوند، مقام های جمهوری اسلامی دارند نوروز را هم به همین ترتیب به رهبران کشورهای دیگر وامی گذارند. علت آن هم این است که قلبا به این جشن ها اعتقادی ندارند.

**آقای اتابکی آیا می توانیم از تحلیل این پیام ها حدس بزنی سال آینده این کشورها در قبال ایران چه مواضع سیاسی خاصی انتخاب خواهند کرد؟**

**تورج اتابکی:** تمام نشانه ها و چیدمان های سیاسی و پیام های نوروزی که خطاب آن مردم ایران است همگی حاکی از آن است که قرار است ما سال بسیار پرمخاطره ای پیش رو خواهیم داشت. آن چه از محتوای این پیام ها می توان به دست آورد این است که مردم ایران بین وضعیت فعلی یا وضعیت بدون حکومت فعلی، یکی را انتخاب کنند و این پیام ها هم می خواهند به مردم ایران بگویند ما مشکلی با شما نداریم بلکه با حکومت شما مشکل داریم؛ هم فرهنگ و تاریخ شما را قبول داریم و هم جایگاه تاریخی کهن و منزلت تان را قبول داریم. حالا این استفاده ابزاری یا غیرابزاری است به کنار. اما آن چه مهم است این است که گویا قرار است به جایی برسیم که مردم ایران را از حکومت ایران جدا می کنیم و مشکل ما حکومت ایران است نه مردم ایران. می توان گفت اگر قرار است در سال جاری با تقابل نظامی غرب و ایران مواجه باشیم؛ این پیام ها بخشی از زمینه سازی برای این تقابل بودند.

**آیا ممکن است این پیام ها بخشی از زمینه سازی و تبلیغات غرب برای جنگ و حمله به ایران باشد؟**

**هوشنگ امیراحمدی:** در مورد جنگ خیلی مطمئن نیستم. اما واقعیت این است که غرب، یعنی آمریکا، اسرائیل و انگلستان در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی برنامه ریزی می کنند. همین غرب که این همه طرفدار مردم و فرهنگ و از این حرف هاست در عین حال دارد با تحریم ها بزرگترین صدمه را به مردم می زند. تحریم ها که آسیبی به حکومت وارد نمی کنند؛ این مردم هستند بیشترین آسیب را می بینند. واقعیت این است که این صحبت های غرب با مردم یک دروغ بزرگ تاریخ است. این ها فرهنگ مردم ایران را آلت دست قرار می دهند. من تعجب می کنم آقایانی که تاریخ ایران را خوانده اند باید بدانند غرب بارها در گذشته از انقلاب مشروطه تا امروز به دنبال ایرانی بوده است که آن را تحت سیطره خود داشته باشد. غرب دارد با این نیرنگ ها به مردم ایران آسیب می زند؛ اما خوشبختانه ملت ایران این را درک می کنند و می دانند داستان غرب چیست و به همین دلیل آن ها مسائل خودشان را با حکومت ایران در چارچوب خودشان حفظ کرده اند و اگر هم از این حکومت خوششان نمی آید در چارچوب فکر خودشان جلو می روند نه در چارچوب خواست های غرب.

**آقای محمدی شما جامعه شناس هستید و به هر حال در مورد جامعه شناسی سیاسی مردم ایران به ما بگویید آیا دریافت و تحلیل مردم داخل ایران از این پیام ها با آن چه در ذهن مقام های برخی کشورهای خارجی وجود دارد مساوی است یا خیر؟**

**مجید محمدی:** من بسیار محتاطم از این که موضوعی را به مردم ایران نسبت دهم. به این علت که جامعه ایران از اقشار و طیف های مختلفی تشکیل شده اند که منافع و باورهای مختلف و متفاوتی دارند. اما آن چه از افزایش پیام های تبریک

خارج از ایران نسبت به سال های گذشته به نظر می رسد این است که غرب متوجه شده این پیام ها در داخل ایران بازار گرمی دارد و شنیده می شود. امروز بسیاری از کشورهای غربی دارای رسانه های فارسی زبان اعم از تلویزیونی، رادیویی و یا اینترنتی هستند و مردم ایران پیام ها را در تیراژهای میلیونی می شنوند. به دلیل این که در جامعه ایران آزادی و دموکراسی وجود ندارد و مردم نمی توانند صدای خود را به گوش جهانیان برسانند، نمی توان ایده یا تفکر خاصی را در ارتباط با این پیام ها به مردم نسبت داد. اما در باب شکاف میان مردم ایران و دولت ایران به نظر من نیازی نیست که دول غربی یا پیام های نوروزی چنین شکافی را ایجاد کند. این شکاف وجود دارد. دولت ایران، جامعه ایران را نمایندگی نمی کند و غرب هم دقیقاً در چنین شکافی پیام خود را ارائه می کند. آقای خامنه ای هم کاملاً به چنین شکافی واقف است. اگر به سخنان او در مشهد توجه کنیم او به سه نکته اشاره می کند؛ نخست آن که ایران سلاح اتمی ندارد؛ دوم ابراز نگرانی از مبادلات اینترنتی و اختلاف های میان مسئولان و سوم هم دفاع کامل از بسیج برای ایجاد حزب پادگانی موجود. همه این ها نشان می دهد آقای خامنه ای از حمله به ایران دچار نگرانی است و به شکاف میان مردم و خودش نیز واقف است. این شکاف وجود دارد و نیازی نیست دیگران آن را به وجود بیاورند.

در پیام تبریک آیت الله خامنه ای چه نکاتی می بینید که می تواند هم پاسخی به پیام نوروزی مقام های کشورهای آمریکا، اسرائیل و انگلیس باشد؟ و به نظرتان صحبت های آقای خامنه ای در مشهد که گفتند به هر حمله ای در همان سطح پاسخ می دهند و ملت ایران مثل شیر ایستاده و از حقوقش دفاع می کند استراتژی ایران در برابر غرب را چطور توضیح می دهد؟

تورج اتابکی: در هر مناسبتی رهبران سیاسی تلاش می کنند منافع سیاسی خود را لحاظ کنند. بنابر این استفاده از نوروز یا هر جشن و مناسبت تاریخی دیگری برای ارائه پیام های سیاسی چندان دور از ذهن نیست. کاری که رهبران غرب هم به بهانه نوروز انجام دادند چیز تازه ای نیست و در گذشته هم وجود داشته است و مطمئناً برخاسته از منفعت بلافصل خودشان است. اما خب جمهوری اسلامی هم چنین پیام هایی در مورد منافع خود به جهانیان داد. اما آن چه در مورد پیام آقای خامنه ای به نظرم مهم رسید این بود که ایشان رفته رفته از جایگاه یک رهبر فراجناحی که می کوشید فراتر از اختلاف گروه های سیاسی داخل کشور عمل کند به جایگاهی اجرایی تر تنزل یافته است. قیای آقای خامنه ای دارد قیای اجرایی تری می شود و او باید پاسخگو باشد که شعار سال گذشته که به عنوان سال «جهاد اقتصادی» نام گذاری شده بود نتوانست عملی شود. این جایگاه اجرایی به حدی رسیده که ایشان در مورد سیاستگذاری های اقتصادی خودشان را طراح و مجری معرفی می کنند و این پیامدهای بسیاری روشنی خواهد داشت که نشان می دهد از این پس ما ایشان را در حوزه های اجرایی بیش از پیش خواهیم دید. تا آن جایی که به جنگ و تقابل هایی از این دست بازمی گردد اشاره ایشان پافشاری بر مواضع پیشین جمهوری اسلامی بود. همچنان ایشان بدیل جنگ را جدی می گیرند. بر خلاف سخنان پیشین که ایشان می گفتند هر نوع ستیز غرب را در نطفه خفه خواهیم کرد و برخوردشان یک برخورد دفاعی نخواهد بود موضع اخیر او را دفاعی دیدم نه تهاجمی. اما به جان کلام که نگاه کنیم می بینیم ایشان هم مانند بسیاری دیگر از دولتمردان جمهوری اسلامی متوجه شدند خطر تقابل نظامی بسیار جدی است.

**هوشنگ امیراحمدی:** این حرف آقای اتابکی حرف بسیار درستی است که پیام آقای خامنه‌ای، پیامی تدافعی بود. من فکر می‌کنم پیام غرب پیام صلح نبود و اگر نخواهیم آن را پیام جنگ تلقی کنیم می‌توانیم بگوییم پیام دعوا بود؛ اما پیام ایران این دفعه، پیام دعوا نبود، بلکه پیام ایجاد آرامش و اعتماد بیشتر بود و در عین حال موضوع دفاع از خویش را هم مطرح کرد. اگر شما پیام رهبران غرب برای نروزر را با پیام جمهوری اسلامی برای سال نوی مسیحی مقایسه کنید می‌بینید پیام جمهوری اسلامی صلح و آرامش بوده و هرگز آن را سیاسی نمی‌کنند. علاوه بر این همیشه در پیام خود در مورد مسیحیان صحبت می‌کنند، نه در مورد مردم یا دولت. اما پیام های غرب متأسفانه پیام های تهاجمی بوده است. اگر پیام سه سال پیش آقای اوباما به مردم ایران را با پیام امسال مقایسه کنید می‌بینید وقتی سه سال پیش آقای اوباما هم مردم و هم دولت را مخاطب قرار دارد، مردم ایران عکس العمل بسیار وسیعی نشان دادند و خوشحال بودند که بالاخره یک راهی باز می‌شود. به خاطر این که آن پیام، پیام صلح بود. اما متأسفانه جمهوری اسلامی آن پیام را نگرفت. اما این دفعه چون پیام صلح نبود، مورد استقبال مردم قرار نگرفت. من حتی در میان ایرانیان آمریکا هم می‌بینم چندان واکنش گرمی وجود نداشت. من اعتقاد دارم پیام آقای خامنه‌ای بسیار فکرسزده و سنجیده بود و خطابش مردم ایران بود. اما برای من جالب بود که آقای خامنه‌ای مردم ایران را در سراسر دنیا و در کشورهای دیگر نیز مخاطب قرار داد. یعنی مانند آقای اوباما جریان را باز کرد. من از میان پیام‌ها از پیام خانم هیلاری کلینتون خیلی خوشم آمد. پیام ایشان خیلی ساده بود. تبریک گفت و اشاره کرد که ما در چارچوب اصول از حقوق بشر و آزادی بیان برای مردم ایران استقبال می‌کنیم. فکر می‌کنم باید رهبران سیاسی جهان این پیام را سرمشق قرار دهند و بیشتر از این وارد جزئیات نشوند. به نظرم امسال آقای اوباما در این مورد به خانم هیلاری کلینتون باخت.

**مجید محمدی:** پیام آقای خامنه‌ای و آقای احمدی نژاد مجموعه‌ای از رجزخوانی، تهدید، آویزان کردن مدال به خود، تحقیر طرف مقابل و اغراق در دستاوردهای علمی بود که بیشتر به یک افسانه می‌ماند تا واقعیت. من چندان خردی در برخوردهای آقای خامنه‌ای با مردم ایران و در عرصه بین‌المللی مشاهده نمی‌کنم. اما در باب پیام‌های رهبران خارجی بیشترین چیزی که مشاهده می‌شود وجوه فرهنگی آن است تا بخش‌های سیاسی. پیام آقای اوباما، پیام بسیار هوشمندانه‌ای بود و غیر از اشاره به باستانی بودن سنت نروزر، تنها موضوع سیاسی‌ای که آقای اوباما مطرح کرد، موضوع سپر الکترونیک بود که می‌توان گفت دغدغه تمام شهروندان ایران است. می‌توان گفت به غیر از طرح موضوع جریان آزاد اطلاعات، هیچ موضوع سیاسی دیگری در سخنان آقای اوباما نبود. بالاخص بعد از طرح شورای عالی مجازی که آقای خامنه‌ای برای محدود کردن اینترنت در داخل کشور برخورد آقای اوباما کاملاً هوشمندانه بود چون دست بالاتر را نسبت به رهبران داخل کشور اتخاذ کردند. در باب پیام‌های داخل کشور هم باید گفت این پیام‌ها مانند گذشته مجموعه‌ای از شعارهایی است که هیچ‌کدام به عرصه عمل نخواهد رسید.